

رژیم ایران و دولتهای بزرگ(آمریکا، اروپا)، روسیه، چین و..... پروژه اتمی رژیم ایران- آژانس بین المللی انرژی و چالشهای جهانی با آن

رویترز : روسیه درحال بررسی طرح تولید مشترک سوخت هسته ای با ایران است

پنجشنبه 12 آبان ۱۳۸۴ - 3 نوامبر ۲۰۰۵

خبرگزاری رویترز گزارش داد روسیه برای خارج شدن موضوع هسته ای ایران از بن بست با این کشور درحال گفتگو است .

به گزارش خبرگزاری "مهر" خبرگزاری رویترز به نقل از مقاماتی که به نام آنان اشاره ای نکرده است افزود : طرح همکاری مشترک روسیه برای تولید مشترک سوخت در راستای راه حلی که از آن به "حفظ آبرو" یاد می شود، صورت می گیرد.

شایان ذکر است که در سفر چندی پیش منوچهر متکی وزیر امور خارجه ایران به مسکو اخباری مبنی بر انجام پروژه مشترک هسته ای به عنوان راهکاری برای حل موضوع هسته ای ایران منتشرشد لیکن منابع از بی میلی ایران به این موضوع خبر داده بودند.

طرف های ارائه کننده این طرح از آن به عنوان دخالت طرف سوم در موضوع یاد می کنند. روسیه و آفریقای جنوبی گزینه های موجود در این طرح بودند.

یک مقام در آژانس انرژی اتمی روسیه که نخواست نامش فاش شود گفت با این طرح، روسیه و ایران با استفاده از یک شرکت که بطور 50 در 50 در آن سهم خواهند داشت بطور مشترک اقدام به غنی سازی اورانیوم و فروش آن در سراسر جهان خواهند کرد.

این مقامات اعلام کرد: " این طرح بسیار بسیار آزمایشی است و ابتدا در تابستان امسال مطرح شد و ما در مورد آن بحث کردیم و اگر این مساله اتفاق بیافتد عملی شدن آن سال ها طول خواهد کشید".

وی گفت: " روسیه براین باور است که این مساله می تواند کاملاً سرانجام خوبی داشته باشد اما تمام طرف ها همانند ایران، اتحادیه اروپا و دیگر طرفها نیز باید متقاعد شوند".

رویترز افزود: یکی دیگر از راه چلهائی که اخیراً در رابطه با خروج از بن بست گفتگوها بین ایران و اتحادیه اروپا عنوان شده بود، دخالت آفریقای جنوبی به عنوان طرف سوم در موضوع است .

دراین رابطه دیپلماتها با اشاره به اینکه طرح روسیه ترکیبی از پیشنهادات آفریقای جنوبی و خود روسیه است از دخالت آفریقای جنوبی در گفتگوهای مربوط به این موضوع هم خبر دادند.

یک مقام دیگروپائی همچنین اظهار داشت براساس این طرح ایران درمالکیت هیچ نوع تکنولوژی غنی سازی اورانیوم در پروژه روسیه شریک نخواهد بود.

وی گفت: "لیکن تنها به کارشناسان هسته ای ایران این توانائی داده خواهد شد تا بتوانند دانش فنی مربوطه را توسعه دهند".

موافقت ایران بادسترسی بازرسان آژانس به مراکز نظامی با درجه امنیتی بسیار بالا

چهارشنبه 11 آبان ۱۳۸۴ - 2 نوامبر ۲۰۰۵

دیپلماتها در وین اعلام کردند که ایران به بازرسان آژانس بین المللی انرژی دسترسی مجدد به اماکن نظامی با درجه امنیت بسیار بالا را داده است.

به گزارش خبرگزاری "مهر" به نقل از روزنامه یو اس ای تو دی، دیپلمات ها گفتند که به متخصصین آژانس اجازه داده شده است تا از پارچین بازدید مجددی داشته باشند .

این دیپلمات ها براین باورند که ایران برای ممانعت از ارجاع موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت این تصمیم را اتخاذ کرده و قصد دارد به بازرسان اطمینان دهد برنامه های هسته ای پنهانی برای ساخت تسلیحات ندارد.

گرچه رسانه ها ادعا کردند که این بازرسی از سوی مقامات ایرانی کنترل خواهد شد لیکن یکی از دیپلمات ها که وی هم نخواست نامش فاش شود دراین باره اظهار داشت که درچند هفته گذشته

بازرسان آژانس بین المللی انرژی به ساختمانهای که قبلاً خارج از حوزه اختیارات و محدوده آنها بود دسترسی داشته اند.

این دیپلمات نزدیک به آژانس گفت: از موضوعات نمونه های محیطی برداشته شده است و در آزمایشگاههای آژانس تحلیل خواهد شد.

رویدادهای مهم بین المللی و منطقه ای

روزنامه های لبنان: قطعنامه 1636 آخرین فرصت برای سوریه است

سه شنبه 10 آبان ۱۳۸۴ - 1 نوامبر ۲۰۰۵

تصویب قطعنامه اخیر شورای امنیت در مورد سوریه با واکنش تند رسانه های سوری و استقبال گسترده مطبوعات لبنانی روبرو شده است و آنها این قطعنامه را آخرین فرصت برای دمشق قلمداد کردند اما روزنامه تشرین سوریه این قطعنامه را تلاشی برای جداسازی ملت سوریه از دولت خواند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، مطبوعات سوری درواکنش به تصمیم شورای امنیت تاکید کردند این قطعنامه که از سوی شورای امنیت به تصویب رسید درحقیقت تلاشی برای جداسازی ملت سوریه از دولت است.

عصرروز گذشته اعضای شورای امنیت به اتفاق آرا با تصویب قطعنامه ای از سوریه خواستند تا با تیم تحقیق سازمان ملل درباره ترور رفیق حریری نخست وزیر اسبق لبنان به طور کامل همکاری کند. روزنامه تشرین درواکنش به این موضوع تاکید کرد درحقیقت کشاندن سوریه به دادگاه بین المللی به بهانه وجود مظنونین به ترور حریری و تحویل این افراد به آمریکا، فرانسه و انگلیس نقشه ای است برای به دام انداختن سوریه که تنها برای جلب رضایت سلطه گرانی چون شارون، بوش و شیراک صورت گرفت.

در ادامه این روزنامه رسمی سوریه اظهارات سعد الحریری فرزند رفیق حریری رامینی براینکه با ملت سوریه هیچ مشکلی ندارد، به شدت مورد انتقاد قرارداد و افزود: سعد حریری با بعضی از جناح ها و جریان های سیاسی لبنانی در جهت فاصله انداختن بین ملت سوریه و دولتشان همراهی می کند. روزنامه های لبنانی درواکنش به تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، از این تصمیم شورای امنیت به عنوان آخرین فرصت برای دمشق نام بردند.

روزنامه النهاربا این تیتیر "شورای امنیت با اجماع؛ سوریه در محک همکاری" بر این باور است که هر چند که این اقدام بزرگ نمایی نیست اما در جای خود مجازات و تحریم هایی را علیه سوریه به دنبال دارد. این روزنامه با بیان اینکه این تصمیم به نظام حاکم سوریه آخرین فرصت را داده، دستگیری افراد مظنون سوری از سوی دولت سوریه را اولین امتحان برشمرد.

روزنامه السفیر نیز در صفحه اول خود با درج این خبر تاکید کرد این تصمیم در واقع هشدار شدیدی است به سوریه نسبت به پیامدهای عدم همکاری کامل و بی قید و شرط آن با کمیته تحقیق است.

روزنامه البلد هم در این باره نوشت: به نظری رسد که شورای امنیت با این تصمیم به دمشق 6 هفته مهلت داد تا همکاری خود را با تیم تحقیق بین المللی به اثبات برساند.

این روزنامه در ادامه تاکید کرد خطرناکی این مساله زمانی نمود پیدا می کند که این تصمیم به اتفاق آرا به تصویب رسیده است.

این در حالی است که پیش نویس قطعنامه ای که از سوی آمریکا و فرانسه و انگلیس تنظیم شد به دتلیو مهلیزقازی آلمانی و رئیس تیم تحقیق بین المللی حریری اختیارات گسترده ای می دهد و بر دستگیری هر مسئول یا شهروند سوری مظنون از سوی دولت سوریه تاکید دارد.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

مقررات فعالیت های تبلیغاتی برای انتخابات آتی عراق

پنجشنبه 12 آبان 1384 - 3 نوامبر 2005

هیات عالی مستقل انتخابات عراق با اشاره به آغاز مبارزات و فعالیت های تبلیغاتی برای انتخابات آتی این کشور، شرایط و مقررات مربوط به نحوه این فعالیت ها را اعلام کرد.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از شبکه خبری العالم، به گفته عبدالحسین الهنداوی عضو شورای هیات عالی انتخابات عراق مبارزات انتخاباتی در عراق که قرار بود از چهارشنبه یا امروز پنجشنبه آغاز شود، از سه شنبه شروع شد که این امر در چارچوب نظام مبارزات انتخاباتی گروه ها و ائتلاف های انتخاباتی و تشکل های سیاسی در عراق صورت می گیرد که از سوی هیات عالی انتخابات تدوین و اعلام شده است.

عبدالحسین الهنداوی در گفتگو با این شبکه با بیان این مطلب افزود: سیستم جدید انتخابات عراق همان سیستمی است که انتخابات 30 ژانویه (11 بهمن 83) بر اساس آن برگزار شد و شروطی را برای فعالیت ها و مبارزات انتخاباتی مشخص کرده است که با قانون انتخابات تصویب شده از سوی مجمع ملی عراق همسویی و هماهنگی دارد.

وی گفت: بر اساس آن جلسات انتخاباتی در ساختمان ها و ادارات دولتی و استفاده از سربزرگ و آرم های دولتی در این جلسات و شرکت کارمندان دولت به عنوان کارمند دولتی در روند انتخابات ممنوع است و از سوی دیگر تشکل ها و گروه های سیاسی شرکت کننده در انتخابات مجاز به طرح موضوعات و افکاری نیستند که اختلافات قومیتی و طائفه ای و دینی و نژادی را در عراق برانگیزند.

به گزارش مهر، الهنداوی تصریح کرد: همچنین از تشکل ها و جریان های سیاسی خواسته شده از مراجع و نمادها و شعائر دینی در مبارزات انتخاباتی استفاده نکنند و از دستگاه های اطلاع رسانی در عراق نیز خواسته شده در فراهم کردن فرصت برای جریان های سیاسی رقیب به منظور ارائه برنامه ها و طرح های خود از طریق این دستگاه عادلانه عمل کنند.

وی درباره میزان مشارکت مردم در انتخابات آتی این کشور خاطر نشان کرد که از شواهد و شاخص های موجود پیداست که شرکت مردم در این رویداد فراگیر خواهد بود و همه قومیت ها و طوائف عراق و تمام اقشار مردم بدون استثناء در آن شرکت خواهند کرد.

شایان ذکر است، 228 گروه سیاسی از جمله 22 ائتلاف برای شرکت در انتخابات پارلمانی آتی عراق که قرار است 15 دسامبر (24 آذرماه) برگزار شود، در هیات عالی مستقل انتخابات ثبت نام کرده اند که مهمترین آنها ائتلاف عراق یکپارچه به رهبری سیدعبدالعزیز حکیم، ائتلاف کردستان و ائتلاف العراقيه به رهبری ایاد علاوی نخست وزیر سابق است.

وزارت دفاع عراق در بیانیه ای از افسران سابق ارتش که علاقمند به پیوستن به ارتش جدید هستند خواست برای این منظور ثبت نام کنند.

چهارشنبه 11 آبان ۱۳۸۴ - 2 نوامبر ۲۰۰۵

به گزارش خبرگزاری "مهر" به نقل از خبرگزاری فرانسه، در این بیانیه به نقل از یک منبع مسئول وزارت دفاع چنین آمده است: ما افسران سابق ارتش عراق و علاقمندان به بازگشت به ارتش جدید برای خدمت کردن به سرزمین خود را به مراکز جذب در سراسر کشور فرا می خوانیم. این بیانیه می افزاید: بازگشت به صفوف ارتش جدید عراق، به عنوان ارتش همه شرافتمندان تنها منحصر به درجه سرگردی و پایین تر از تمام واحدها می شود. این منبع مسئول در وزارت دفاع عراق همچنین اعلام کرد: علاقمندان به خدمت در ارتش باید با مراجعه به مراکز جذب در سراسر کشور تحت معاینات پزشکی قرار گیرند و در ضمن از آنها مصاحبه شود. در این بیانیه مراکز جذب ارتش جدید عراق در شهرهای بغداد، بصره، سلیمانیه و اربیل، حویجه و حبانیه اعلام شده است.

وزارت دفاع عراق برای افسران با درجه سرگردی یک جدول زمانی مشخص کرده که عبارتند از افسران با درجه سرگردی از 6 تا 10 ماه جاری و سروان ها از 13 لغایت 17 ماه جاری و ستوان یکم از 20 لغایت 24 ماه جاری و ستوان از 27 لغایت به مراکز جذب خود را معرفی کنند. پل برمرحاکم غیرنظامی آمریکایی عراق پس از سقوط بغداد در چهارم آوریل 2003 میلادی دستور انحلال ارتش صدام را صادر کرد. ارتش جدید عراق از 82 هزار نفر تشکیل شده است و هم اکنون به کندی برای تقویت توانمندی خود با حمایت آمریکایی تلاش می کند. جلال طالبانی رئیس جمهوری عراق 13 سپتامبر گذشته ابراز امیدواری کرد که نیروهای امنیتی عراق با توافق کامل آمریکاییها بتوانند تا پایان سال 2006 جایگزین بخشی از نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شوند.

عملیات تروریستی نزدیک مسجد شیعیان در شهر مسیب عراق 20 قربانی گرفت

چهارشنبه 11 آبان ۱۳۸۴ - 2 نوامبر ۲۰۰۵

عصر امروز بر اثر انفجار یک دستگاه خودروی بمب گذاری شده در نزدیکی یک مسجد در شهر شیعه نشین مسیب دستکم 21 عراقی کشته و 61 تن زخمی شدند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از خبرگزاری فرانسه، یک منبع پزشکی عراق آمار تلفات انفجار مرگبار در شهر شیعه نشین مسیب در 55 کیلومتری جنوب بغداد را ابتدا 20 کشته و 46 زخمی اعلام کرده بود.

در حال حاضر مجروحان و اجساد کشته ها به سه بیمارستان در جنوب بغداد منتقل شدند. یک منبع در وزارت دفاع عراق اعلام کرد: ساعت 17/20 دقیقه به وقت محلی یک مین بوس بمب گذاری شده در نزدیکی یک مسجد منفجر شد و منجر به کشته شدن دستکم 20 عراقی و زخمی شدن 45 نفر دیگر شد.

وی افزود: انفجار در نزدیکی مسجد و یک بازار پیش از نماز مغرب و اعشاء روی داد. آخرین انفجار در نزدیکی یک مسجد شیعیان در این شهر به 16 مه گذشته برمی گردد که بر اثر انفجار یک کامیون بمب گذاری شده دستکم 83 عراقی کشته و 150 تن دیگر نیز زخمی شدند. خبر دیگر اینکه بر اثر انفجار یک دستگاه خودروی بمب گذاری شده در شهر نفت خیر کرکوک دستکم یک عراقی کشته و 9 تن دیگر زخمی شدند. انفجار در مسیر عبور کاروان غیر نظامی آمریکا در شمال شهر کرکوک روی داد.

رئیس جمهور عراق تاکید کرد که مخالف استفاده از خاک عراق برای حمله نظامی علیه سوریه است.

سه شنبه 10 آبان ۱۳۸۴ - 1 نوامبر ۲۰۰۵

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از روزنامه الشرق الاوسط - چاپ لندن - جلال طالبانی رئیس جمهور عراق، در گفت و گو با این روزنامه اظهار داشت که مخالف استفاده از خاک عراق به عنوان پایگاه نظامی برای حمله به سوریه است.

شرح کامل مصاحبه به شرح ذیل است:

سوال: برخی جناح های عراقی نمی خواهند شاهد نقش عربی موثر و فعالی در عراق باشند. به نظر شما چه طور می توان به منظور تحقق اهداف عراق با این مساله مبارزه کرد؟
طالبانی: معتقدم که تمام جناح های سیاسی فعال در عراق نقش عربی عراق را ضروری می دانند و این نقش عربی عراق باید در خدمت عراق جدید و رهایی آن از مشکلات باشد. در واقع هیچ نفعی در

مخالفت با نقش عربي عراق نيست و مصلحت ما در وجود نقش عربي عراق براي حل مشكلات ملت آن پيشرفت و بازسازي عراق است.

سوال: آيا در سفر عمرو موسي دبيركل اتحاديي عرب به عراق، ترديد داشتيد، به ويژه اين كه يك هيات ديپلماتيك نيز براي فراهم كردن مقدمات سفر موسي به عراق سفر کرده بود؟

طالباني: من هرگز در صحت سخنان موسي شك نداشته‌ام. مطمئن بودم كه وي به قول خود عمل خواهد كرد. در تماس‌ها و ديدارهايي كه با وي در برزيل و نيويورك داشتم، وي تاكيد کرده بود كه حتماً به عراق سفر خواهد كرد؛ اما انتظار نداشته‌ام من را در سلیمانیه ببيند، چرا كه طبيعتاً من بايد در بغداد حضور داشتم. البته من دوست داشتم كه برادران مسوول عربي به كردستان عراق آمده و از نزديك مي‌ديدند كه ملت كردستان عراق دوستدار برادران عرب هستند.

سوال: چرا سفر موسي همزمان با محاکمه‌ي صدام صورت گرفت؟

طالباني: موسي هر زماني كه به عراق وارد مي‌شد، ما از وي استقبال مي‌كرديم. عراق عضوي از اتحاديه عرب است و موسي مي‌تواند هر زماني كه اراده كند به عراق سفر كند.

سوال: تظاهرات‌هايي در بغداد عليه دولت كنوني برپا شده است و در اين تظاهرات دولت متهم به ضعف و نداشتن سياست روشن شده است، در اين باره چه نظري داريد؟

طالباني: ما داراي كشوري دموكرات هستيم و تظاهرات آزادانه در اين كشور بر پا مي‌شود. مردم مي‌توانند تظاهرات كنند و هر چه مي‌خواهند اعلام كنند، به ويژه اين كه ملت عراق براي نخستين بار است كه از دموكراسي برخوردار است و هر كس مي‌تواند در هر فرصتي هر خواسته‌اي را بيان كند.

سوال: سرنوشت شبه نظاميان وابسته به احزاب چه خواهد شد؟

طالباني: با تصويب قانون اساسي و تحقق امنيت و ثبات در عراق، شرايط فرق خواهد كرد و بر اساس قانون اساسي، هيچ شبه نظامي در عراق باقي نخواهد ماند.

سوال: درباره‌ي اين كه برخي شبه نظاميان غير نظاميان را مورد هدف قرار مي‌دهند، چه مي‌گويد؟

طالباني: شايد اين امر درست باشد؛ اما دولت تلاش خود را براي حل اين مشكلات خواهد كرد.

سوال: بسياري از مردم عراق مي‌گويند كه از صدام متنفرند؛ در حالي كه به نظر مي‌رسد بيشتري از وجود نيروهاي خارجي متنفرند. نظر شما چيست؟

طالباني: هر كس نظري دارد، اما من از صدام بيشتري از نيروهاي خارجي متنفرم؛ چرا كه معتقدم رنج‌هايي كه از زمان صدام كشيده‌ايم بدتر و دردناك‌تر از رنج‌هاي استعمار است. بايد بگويم كه عراق در زمان صدام اوضاع خيلي بدتي داشت كه هيچ كس نمي‌تواند تصور كند. عراق در زمان صدام تبديل به بازداشتگاه‌ها و گورهاي دسته جمعي شده بود و اين كشور از خفقان رنج مي‌برد. مردم عراق تنها مي‌خواستند از شر صدام رهايي يابند. حال مي‌خواهم اين سوال را بكنم كه ديكتاتور ۳۰ ساله بعد از صدام پايان يافته و نيروهاي خارجي چند سال حضور خواهند داشت. خود نيروهاي خارجي نيز مي‌خواهند كه عقب نشيني كنند. ما در حال حاضر انتخابات را پيش رو داريم و بعد از يك سال يا دو سال ديگر به آنها خواهيم گفت خداحافظ برويد! اما چه كسي جرات مي‌كند به صدام بگويد خداحافظ برو!

سوال: آيا مشاركت صدام در انتخابات از داخل زندان درست است؟

طالباني: صدام در انتخابات گذشته شركت كرد. نمي‌دانم چه رايي داد. آيا به نظر شما اين دموكراسي نيست؟ من به اين ديپلماسي افتخار مي‌كنم. آيا جهان نديد كه صدام در زمان محاکمه اعلام كرد "من رييس جمهور عراق هستم". ما اجازه داديم در دادگاه هر چه مي‌خواهد بگويد. درست در جايي كه گورهاي دسته جمعي و كشتار وحشيانه‌ي مردم بيگناه را صورت داده بود.

سوال: اما ما شنیده‌ايم كه نيروهاي خارجي نيز بيگناهان و غير نظاميان را مي‌كشند. آيا اين ترويسم نيست؟

طالباني: من اجازه نمي‌دهم و تاكنون نشنیده‌ام نيروهاي خارجي شهروندان غير نظامي را هدف قرار دهند.

سوال: آيا تصور نمي‌كنيد عدم تعين جدول زماني براي خروج نيروهاي خارجي رهبري سياسي را تضعيف کرده و آن را با مشكلاتي روبرو مي‌سازد؟

طالباني: جدول زماني براي خروج نيروهاي خارجي وجود دارد و آنها در تاريخ ۲۰۰۷/۱۰/۱۵ خارج خواهند شد. ما اعلام كرديم زماني كه نيروهاي امنيتي عراق توانايي رويارويي با ناامني‌ها را داشته و بتواند با تروريسم روبرو شوند، نيروهاي خارجي از عراق خارج خواهند شد. نيروهاي چند مليتي بر اساس قطعنامه‌ي شوراي امنيت در عراق حضور دارند و تنها شوراي امنيت مي‌تواند مدت حضور آنها را تغيير دهد. در حال حاضر ما در ديگر امور كشور مثل تعيين تاريخ انتخابات، نظارت مستقيم داريم.

سوال: برخي بر اين باورند كه محاکمه‌ي صدام، محاکمه‌ي اهل سنت در عراق است. نظر شما چيست؟

طالباني: اين مساله غلط است. صدام بسياري از اهل سنت را نيز كشته است. جنايت‌هاي زيادي عليه شيعة و سني مرتكب شده است و حتي در حق کردهاي سني نيز جنايت‌هاي وحشتناكي صورت داده است. محاکمه بر اساس مسايل طايفه‌يي صورت نخواهد گرفت؛ چرا كه برخي کردهاي عراق نيز كه مرتكب جنايت شده‌اند، محاکمه خواهند شد.

سوال: منظورم اين است كه سني‌هاي عراق به علت سني بودن صدام احساس مي‌كنند كه وي به اهل سنت ضرر زده است.

طالبانی: این مساله نیز درست نیست. اهل سنت در روند سیاسی عراق مشارکت دارند و معاون رییس جمهور و رییس مجمع ملی عراق سنی هستند. اغلب کردها نیز سنی هستند. پس می بینید که اهل سنت نیز همانند دیگران در روند سیاسی مشارکت دارند و کنار گذاشته نشده اند. سوال: آیا درست است که سوریه تهدیدی علیه شماس است و نفوذ شبه نظامین به عراق را هموارتر می سازد؟

طالبانی: من هرگز علیه سوریه حرفی نمی زنم و اگر مساله ای وجود داشته باشد، مستقیماً به بشار اسد رییس جمهور سوریه اعلام می کنم و هیچ حرفی را از طریق رسانه های گروهی مطرح نمی کنم. سوال: با توجه به تهدیدات آمریکا علیه سوریه، آیا اجازه خواهید داد تا از عراق به عنوان پایگاه نظامی علیه سوریه استفاده شود؟

طالبانی: من هرگونه سوء استفاده از خاک عراق را رد می کنم. در واقع مخالف استفاده از خاک عراق برای حمله علیه سوریه یا هر کشور دیگری هستم؛ اما در کل قدرت من در رویارویی با قدرت آمریکا محدود است و من نمی توانم نظرم را القا کنم.

سوال: برخی تصور می کنند نظام فدرالیسم در عراق مقدمه ای برای جدایی منطقه ای کردستان عراق است. نظر شما چیست؟

طالبانی: نظام فدرالی مناطق و بخش ها و قومیت های مختلف را متحد می سازد. نظام فدرالیسم یک ملت را متحد می سازد، همانطور که در آلمان شاهد هستیم. آلمان یک دولت فدرالی است؛ اما دارای ملت و فرهنگی متحد است. نظام فدرالی با دموکراسی، قدرت زیادی برای بقا خواهد داشت. کسانی که موافق نظام فدرالی هستند، می دانند که نظام فدرالی در خدمت وحدت ملی و ثبات عراق است و نظام فدرالی و شرایط ما استثنا است و ما از هیچ کس تقلید نمی کنیم.

عضو کمیته عالی برگزاری انتخابات عراق اعلام کرد: نظام انتخاباتی، اقلیت های ملی و دینی عراق همچون ترکمن ها و آشوری ها را شامل نمی شود.

سه شنبه 10 آبان ۱۳۸۴ - 1 نوامبر ۲۰۰۵

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از پایگاه اینترنتی المحيط - فرید ایار، عضو کمیته عالی برگزاری انتخابات عراق تاکید کرد: به دلیل متفرق بودن این اقلیت ها در سراسر عراق به شکل گروه های کوچک، امکان رقابت با احزاب سیاسی بزرگ در انتخابات و کسب کرسی در پارلمان برای آنها وجود ندارد.

وی همچنین تاکید کرد: بر اساس میانگین ملی حدود 230 کرسی در پارلمان آینده عراق به نمایندگان تعلق می گیرد که تعداد کرسی های هر استان یا جمعیت آن استان متناسب است.

وی افزود: افزودن کرسی های جدید به پارلمان با مشکلاتی روبروست که نیاز به بررسی بیشتر دارد. ایار با اشاره به نظام محاسبه 45 کرسی جدید به سایر کرسی ها گفت: ما این نظام خاص را برای کمک به رای دهندگانی ایجاد کردیم و این 45 کرسی تکمیلی تنها شامل حال اقلیت های مذهبی و دینی نمی شود بلکه یک چهارم آن نیز به زنانی تعلق می گیرد که نتوانند 25 درصد از مجموع 230 کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهند.

وی در ادامه افزود: هر حزب یا ائتلاف سیاسی در صورتی که احساس کند در استان مورد نظر خود موفقیت چندانی کسب نخواهد کرد، می تواند برای شرکت در انتخابات در استان های دیگر نام نویسی کند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

مرور روزنامه های تهران: 11 آبان

چهارشنبه 11 آبان ۱۳۸۴ - 2 نوامبر ۲۰۰۵

بی بی سی: روزنامه های صبح امروز تهران مهم ترین عنوان های خود را به سخنان رییس قوه قضاییه و هشدارهای وی نسبت به وضعیت نگران کننده اقتصادی کشور اختصاص داده و گرچه خبر داده اند که پنجشنبه منتشر نمی شوند اما برای اعلام رسمی روز عید فطر ترجیح داده اند در انتظار اعلام نظر علمای قم بمانند.

رسالت با نقل جریان جلسه مشترک مجلس و قوه قضاییه در صدر اخبار خود خبر از حمایت آیت الله شاهرودی از رشد اقتصادی کشور داده است.

به نوشته این روزنامه معاون اول قوه قضاییه گفته است با اعلام اسامی مشکلی حل نمی شود. اشاره وی به اصرار روزنامه های جناح هوادار دولت است به این که اسامی کسانی که متهم به مفاسد اقتصادی هستند توسط قوه قضاییه اعلام شود.

روزنامه **شرق** نوشته که رییس قوه قضاییه هم در پاسخ نمایندگان مجلس گفته است قانون آیین دادرسی اجازه نمی دهد پرونده قضایی قبل از قطعی شدن حکم آن در رسانه ها اعلام شود چون احتمال تبرئه شدن متهم وجود دارد.

آفتاب یزد در عنوان بزرگ خود با تیتیر "فاجعه بزرگ در اقتصاد کشور" از هشدار رییس قوه قضاییه درباره وضعیت کشور خبر داده است.

همبستگی با عنوان بزرگ فرار شصت میلیارد دلار از کشور از سخنان رییس قوه قضاییه در مجلس خبر داده است، همان جایی که به نوشته روزنامه شرق مجلسیان خواستار قاطعیت در مقابله با مفاسد اقتصادی شدند و رییس قوه قضاییه از کمبودهای قانونی سخن گفت.

به نوشته روزنامه **ایران** آیت الله هاشمی شاهرودی در همین جلسه گفته است حضور حدود ۱۰ هزار شرکت ایرانی با سرمایه و فکر و علم ایران در کشورهای حاشیه خلیج فارس، آیا کمتر از واگذاری قطعه ای از خاک کشور به بیگانه است؟

جوان در میان خبرهای کوتاه خود نوشته تولید نفت ایران در ماههای اخیر از ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه به ۲ میلیون و هفتصد هزار بشکه کاهش یافته است و گفته می شود عدم انتخاب وزیر نفت موجب رکود در کارهای اکتشاف، استخراج، بازاریابی، صادرات و حسابرسی در این وزارتخانه شده است

سه روز بعد از اعلام برکناری سفیران ایران در چند کشور مهم اروپا به نوشته **آفتاب یزد** سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی گفته است هنوز علت این برکناری ها برای مجلس روشن نیست.

همزمان با نامه همسر اکبر گنجی به رییس قوه قضاییه که تنها روزنامه **شرق** به آن اشاره ای کرده است به نوشته **آفتاب یزد** عماد افروغ رییس کمیسیون فرهنگی مجلس پرسیده آیا زندان زدایی شامل روزنامه نگاران زندانی هم می شود؟

در حالی که به نوشته **کیهان** بعضی از مراجع روحانی قم گفته اند که هلال ماه باید با چشم غیرمسلح مسلم شود به نوشته **آفتاب یزد** آیت الله صانعی در پاسخ استفتائی نوشته است که ابراز اعتبار رویت ماه با ابزار است و لزومی ندارد که حتما با چشم غیرمسلح دیده شده باشد.

کیهان نوشته شصت گروه آموزش دیده با دو فروند هواپیما از سوی دفتر آیت الله خامنه ای برای رویت هلال ماه شوال به نقاط مختلف کشور اعزام می شوند.

به نوشته **کیهان** این گروه ها در شصت نقطه کشور مستقر می شوند و ستاد استهلال نام دارند. بیشتر روزنامه های امروز بر اساس تقویم رسمی عمل کرده و اعلام داشته اند که روز پنجشنبه را تعطیل خواهند بود.

اگر امروز تصمیمی شجاعانه گرفته نشود، فردا خیلی دیر است

گفته های یک مقام مهم وزارت خارجه دوران خاتمی در مورد پرونده ی هسته ای جمهوری اسلامی

سه شنبه 10 آبان ۱۳۸۴ - 1 نوامبر ۲۰۰۵

ایلنا: اگر در زمان جنگ، فرماندهی مطلع می شد که دشمن در نقطه ای يك توان نظامی غیر قابل رخنه ایجاد کرده است، مگر ما به جنگ او در آن نقطه می رفتیم؟! مگر ما حاضر بودیم برای اینکه کوتاه نیامده باشیم در میدانی عملیات انجام دهیم که همه نیروها قتل عام شوند؟ فرمانده چه می کرد؟ آن صحنه را رها و از مسیر دیگری تدبیر می کرد. سعی می کرد راهی بیابد که دشمن را در آن منطقه دور بزند. همه این کارها را می کرد ولی به جنگ با دشمن در صحنه تحت تسلط کامل حریف تن نمی داد.

"محسن امین زاده" یکی از مسؤولان ارشد وزارت امور خارجه در دولت خاتمی بود که امروز دیگر در این وزارتخانه مهم جایگاهی ندارد.

وی شورای امنیت را يك منطقه غیر قابل نفوذ آمریکا توصیف می کند و معتقد است به هیچ وجه نباید به این منطقه نزدیک شویم.

امین زاده که از نزدیک در جریان بسیاری از مسائل حوزه دیپلماتیک کشور در هشت سال گذشته بوده، به خوبی می تواند موفقیت ها و ناکامی های مدیران این وزارتخانه را توضیح دهد.

معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه دولت اصلاحات به پرسش های خبرنگار خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در زمینه های مختلف پاسخ داد که در پی می آید:

- ابتدا عملکرد تیم جدید شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه را بررسی کنید.

بررسی عملکرد همکاران جدید دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و وزارت امور خارجه در فاصله کمی پس از شروع کار آنان، کار درستی نیست. طبعاً زمان بیشتری لازم است تا عملکرد مدیران جدید قابل ارزیابی جامع تری باشد. هم در وزارت امور خارجه و هم در دبیرخانه تغییرات زیادی صورت گرفته و بسیاری از دست اندرکاران جدید اصلاً تجربه مدیریت در این سطح را نداشته اند؛ تجربه دیپلماسی هم ندارند. باید منتظر ماند و دید که نتیجه کار آنان چه می شود اما صرف نظر از دست اندرکاران، می توان نتایج کار و چشم انداز آن را ارزیابی کرد. اگر ملاک ارزیابی را روند کنونی مذاکرات هسته ای و قطعنامه اخیر شورای حکام قرار دهیم، من قبلاً هم گفته ام که قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی را يك شکست برای دیپلماسی کشور می دانم. البته با توجه به فراز و نشیب های گفت وگوهای ما با آژانس و سه کشور اروپایی قبل از نشست، نگرانی نسبت به نتایج آن وجود داشت اما حاصل کار بدتر و تندتر از حد انتظار بود. صرف نظر از اینکه چرا چنین شده و چه کسی مقصر است، این نتیجه يك شکست دیپلماتیک مهم برای جمهوری اسلامی ایران و گام بزرگی به عقب در قیاس با تجربه گذشته است که جبران آن کار دشواری است.

- عملکرد اخیر شورای حکام در مورد پرونده ایران چگونه بوده و چرا آن را يك شکست تلقی کرده‌اید؟

ادبیات قطعنامه شورای حکام کاملاً متفاوت شده است. از ادبیات انتقادی در چارچوب اعتمادسازی خارج شده و حاوی ادبیاتی اتهامی است. در این قطعنامه شورای حکام برای اولین بار رسماً از عملکرد ایران به عنوان "عدم پایبندی" یاد کرده است. در بندی به قصور و تقصیرهای ایران اشاره شده و تصریح کرده که عدم پایبندی ایران احراز شده است. در همین بند به ماده‌ای اشاره می‌کند که بیان کننده ارجاع پرونده کشورهای متهم به عدم پایبندی به شورای امنیت است. در بخش مقدماتی قطعنامه به صراحت گفته شده که سیاست پنهانکاری ایران منجر به نقض بسیاری از مقررات مربوط به پیمان توسط ایران شده است. در جای دیگری ضمن تأیید بازرسی‌های متعدد آژانس گفته شده که هنوز آژانس در موقعیتی نیست که جواب همه ابهامات مطرح شده در مورد ایران را داشته باشد.

در چند بند به کوتاهی‌ها و قصورهای مکرر ایران در اجرای پیمان منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای اشاره می‌کند.

در يك بند به قصورها و نقض‌های ایران نسبت به قرارداد و پادمان اشاره می‌کند. فکر می‌کنم این اولین بار است که از عبارت "نقض" به این صراحت استفاده شده است. در واقع این عبارات و کلمات، عبارات و کلمات اتهامی هستند و بار حقوقی کلمات ماهیت قطعنامه را کاملاً اتهامی کرده است. در بند دیگری به "تاریخچه مخفی‌کاری ایران" در زمینه هسته‌ای اشاره می‌کند. به کار بردن این عبارات خود مشکل‌آفرین است. به ویژه که در ادامه همین عبارت در مورد "عدم وجود اعتماد" در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرده و مسأله را مرتبط با شورای امنیت به عنوان ارگان مسؤل در صلح و امنیت جهان دانسته است.

در بندهای دیگر از ایران می‌خواهد که برای اقدامات شفاف‌کننده همکاری کند. از مدیرکل می‌خواهد که از عملکرد ایران گزارش دهد تا بعد در مورد ارجاع پرونده به شورای امنیت تصمیم بگیرد. آنچه قطعنامه از ایران برای شفاف‌سازی مطالبه می‌کند، خواسته‌های بی‌سابقه و سنگینی است. دسترسی به افراد برای مصاحبه و بازجویی، دسترسی به اسناد مربوط به خرید کالاهای دومانظوره، دسترسی به برخی مراکز نظامی هم مواردی است که کار را برای ما بسیار دشوارتر از گذشته می‌کند.

از ما خواسته شده که کارخانه یو سی اف اصفهان را تعطیل کنیم. در بندهای دیگری هم بر عدم ساخت رآکتور آب‌سنگین و تعلیق کامل همه مراحل غنی‌سازی و فرآوری به صورت پایدار و کامل تأکید شده است. در مجموع و در مقام مقایسه می‌توان گفت که این قطعنامه از قطعنامه‌ای که در شرایط مشابه بر ضد عراق صادر شد، تندتر است؛ ضمن اینکه این قطعنامه تنها با يك رأی مخالف، روایتی از عملکرد ما را بیان می‌کند که کاملاً با گذشته متفاوت است. مأموریت دیپلماسی کشور که تبلیغات و درگیری نیست، وظیفه دیپلماسی کشور این است که تلاش کند چنین قطعنامه‌ای بر ضد ایران تصویب نشود. اگر چاره‌ای نیست و قرار است قطعنامه‌ای بر ضد ایران تصویب شود، مانع از آن شود که چنین تعبیری در آن درج شود. اگر در گذشته چنین قطعنامه‌ای تصویب نشده و چنین عبارات اتهامی بر ضد ما به کار نمی‌رفته و حالا به کار رفته است، نشانه آن است که ما شکست مهمی در صحنه دیپلماسی خورده‌ایم.

در ایران کسی مخالف داشتن انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای نیست. در وزارت امور خارجه تا من بودم هیچ کس مخالف دستیابی به این صنعت و تکنولوژی و حفظ آن نبوده است اما همه بحث بر سر شیوه دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای است.

وظیفه دیپلماسی کشور این است که نسبت به برنامه‌های هسته‌ای ایران در سطح جهان ابهام‌زدایی و حمایت کشورهای مؤثر عالم را جلب کند، از شکل‌گیری هرگونه اجماع علیه ایران جلوگیری کند، سازماندهی حریف را برای ایجاد اجماع در جهت مقاصدش خنثی کند، از همه روش‌های مذاکرانی و حقوقی برای رسیدن به مقصود بهره‌گیرد و برای کشور فرصت ایجاد کند تا انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را توسعه دهد. اگر مرور کنید به روشنی درمی‌یابید که چرا من از تعبیر "شکست" استفاده کردم. نتیجه کار نشان می‌دهد که دیپلماسی کشور در انجام این وظایف ناموفق بوده است.

- پیش بینی شما از مراحل بعدی کار چیست؟ آیا پرونده به شورای امنیت ارجاع خواهد شد؟

متأسفانه ما تا همین جا لطمه بدی خورده‌ایم. در سازمان‌های بین‌المللی تصمیمات به کندی صورت می‌گیرد اما تصمیمات گرفته شده هم به کندی اصلاح می‌شود. ما با این قطعنامه به عقب رفته‌ایم و باید این مسأله را با تلاش بیشتر جبران کنیم. اما مشکل بزرگ‌تر آن است که این قطعنامه مقدمه مشکلات زیادتری در آینده است.

اگر ما چاره‌ای برای کار نیندیشیم، با این قطعنامه پرونده ما به شورای امنیت ارجاع خواهد شد. با تلاشی که کشورهای دوست ما کرده‌اند يك مهلت سی تا چهل روزه به ما داده شده است که خواسته‌های این قطعنامه را اجرا کنیم و به ویژه فعالیت تأسیسات اصفهان را متوقف کنیم. از این مهلت چیزی کمتر از سه هفته باقی است. اگر در این مدت کاری از پیش بردیم و با تدابیر سنجیده و با کمک دوستانمان و با کمک همه آنان که ارجاع پرونده ما به شورای امنیت به نفع آنها نیست، توانستیم کار را

به روال قبل از قطعنامه برگردانیم و یا حداقل این روند منفی را متوقف کنیم، طبعاً امکان بازسازی کار هست وگرنه پرونده به شورای امنیت خواهد رفت.

- منظورتان از مخالفان ارجاع پرونده به شورای امنیت چه کشورهایی هستند؟

من قبلاً هم گفته‌ام که به عقیده من همه کشورهای مؤثر غیر از آمریکا و اسرائیل منافعشان ایجاب می‌کند که پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع نشود. این شامل کشورهای مؤثر اروپایی هم هست. شامل تقریباً تمام کشورهایی که در شورای حکام به قطعنامه بر ضد ما رأی مثبت و یا ممتنع داده‌اند غیر از آمریکا نیز هست. البته هرکدام از این کشورها ممکن است نسبت به موضوع، تحفظهای خودشان را داشته باشند ولی دلایل زیادی برای مخالفت با ارجاع پرونده ما به شورای امنیت دارند. بسیاری از کشورهایی که به قطعنامه رأی موافق یا ممتنع داده‌اند، کشورهای دوست ایران هستند، بسیاری از آنان منافع اقتصادی قابل توجهی در ایران دارند و فکر می‌کنند اگر مسائل ایران حل شود، منافع خیلی بیشتری هم خواهند داشت.

کشورهایی که برای حل مسأله تلاش کرده‌اند، مانند فرانسه، آلمان، انگلیس و روسیه منافعشان ایجاب می‌کند که تلاش‌های سیاسی آنان شکست نخورد و نتیجه کارشان که نوعی ابتکار عمل در برابر آمریکا بوده، موفقیت‌آمیز باشد. البته شاید بتوان گفت که تمامی کشورهایی که رأی ممتنع و یا حتی رأی بر ضد ما داده‌اند، از سیاست‌های افراطی آمریکا و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا ناخوشنودند. آنها نمی‌خواهند که پرونده ایران به شورای امنیت برود، چون در آنجا قدرت تحرك آمریکا خیلی بیشتر می‌شود. آنها نمی‌خواهند که در ماجرای ایران نیز مانند سایر مسائل منطقه ابتکار عمل به دست آمریکا بیفتد. آنها رفتن پرونده ایران را به شورای امنیت دادن فرصت به آمریکا حتی به تعبیری واگذاری پرونده به آمریکا تلقی می‌کنند.

اگر ما این تفاوت دیدگاه‌ها، اختلاف نظرهای آشکار و پنهان و البته محذورات و محدودیت‌های این کشورها را درست درک و شرایط را درست مدیریت کنیم، می‌توانیم از این تمایل آنها به حل مسأله از طریق گفت‌وگو و بدون ارجاع به شورای امنیت، کمک بگیریم همچنانکه در سه سال گذشته چنین کرده‌ایم.

- به نظر شما ایران در جلب دوست در عرصه دیپلماسی موفق بوده است؟ عدم همراهی کشورهایهایی مانند هند، روسیه و چین با ایران در شورای حکام را چگونه تحلیل می‌کنید؟

این را قبلاً هم گفته‌ام. به نظرم ما شرایط این کشورها را به درستی درک نکردیم. اگر تصورمان از دوستی آن باشد که این کشورها برخلاف منافع خودشان عمل کنند، من بدون تردید می‌گویم که چنین دوستی در دنیا وجود ندارد و اگر منظورمان از دوستی این است که آنها ضمن توجه ویژه به منافع خودشان به مصالح دیگری هم توجه کنند و براساس آن به ما هم کمک کنند، در این صورت باید شرایط آنها را درک کنیم و انتظارات واقع‌بینانه‌ای از آنها داشته باشیم.

این کشورها مثل همه کشورهای در حال توسعه برای پیشرفت به بازار آمریکا و اروپا نیاز دارند، به فناوری پیشرفته این کشورها نیاز دارند، به سرمایه این کشورها نیاز دارند و به هیچ قیمتی فرصت دستیابی به این امکانات را از دست نمی‌دهند و به هیچ قیمتی هم حاضر به انجام کاری که این فرصت‌ها را از آنان سلب کند، نیستند. تا وقتی اروپا در کنار ما بود کار این کشورها ساده‌تر بود و می‌توانستند با همین توجیه به آمریکا هم نه بگویند اما وقتی بین آمریکا و اروپا بر سر مسأله ما اجماع ایجاد شد، منافع این کشورها اجازه مخالفت آنها با این اجماع را نمی‌داد.

از جنبه دیگر ما باید توجه داشته باشیم که این کشورها و به ویژه روسیه ضمن دوستی با ما از توان هسته‌ای غیرصلح‌آمیز ما واهمه دارند لذا از اقداماتی که صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ما را تضمین کند، به صراحت یا به طور ضمنی حمایت می‌کنند. به این زمینه‌ها، ترفندهای آمریکا و سایر مخالفان ما را هم اضافه کنید. آنها ابزار خودشان را برای توجیه و جذب این کشورها دارند و به شدت هم فعالند.

دیپلماسی وقتی موفق عمل می‌کند که با شناخت کافی نسبت به طرف مقابل خود، با او به گفت‌وگو بنشیند. نتیجه رای‌گیری شورای حکام نشان داد که ما در تحلیل‌های خود نسبت به دیگران مبتنی برعلائق خودمان پیش‌بینی کرده‌ایم تا واقعیت‌های صحنه عمل. دست‌اندرکاران مذاکرات هسته‌ای با تحلیلی از جنس دوران جنگ سرد تصور می‌کردند که این کشورها در مقابل آمریکا قد علم می‌کنند و به خاطر تعارضاتشان با آمریکا به نفع ما رأی می‌دهند. حتی آنان تصور می‌کردند که این کشورهای دوست در شورای امنیت مصوبات بر ضد ما را وتو خواهند کرد.

رای گیری اخیر شورای حکام اگر ضررهای زیادی داشت و نشان داد که ما به زور يك رأی داریم، حداقل این فایده را داشت که نشان داد روسیه و چین رأی منفی به قطعنامه بر ضد ما نمی‌دهند. معنایش این است که در شورای امنیت هم قطعنامه‌های مشابه بر ضد ما را وتو نخواهند کرد. البته کارشناسان امر این نتایج را کاملاً پیش‌بینی می‌کردند و لازم نبود که شورای حکام را به رأی گیری بکشانیم تا از این نتایج مطلع شویم ولی حالا که هزینه رای گیری را پرداخته‌ایم لاقلاً به واقعیات مهم حاصل از آن توجه داشته باشیم.

- چرا سه کشور اروپایی چنین قطعنامه‌ای را پیشنهاد دادند؟

جواب این هم چیزی شبیه مورد قبلی است. از ابتدا کشورهای اروپایی به دعوت ما تلاش کردند که شرایط را کنترل کنند و نگذارند که وضعیت بر ضد ما تند شود، چون این کشورها بسیار علاقه‌مند بودند که سرنوشت يك کشور مهم باقیمانده منطقه یعنی ایران به دست آمریکا نیفتد و آنان ابتکار عمل حل يك بحران مهم در این منطقه را به دست آورند. آنها به مذاکره با ما نشستند و ماه‌ها فشارهای بی‌امان آمریکا را تحمل کردند و نقش کنترل‌کننده خودشان را از دست ندادند. آمریکا آن‌گونه که از اظهارات مقامات این کشور برمی‌آید دائماً مدعی بود که ایران قابل اعتماد نیست و مذاکره با ایران بی‌فایده است. اروپاییان نیز مدعی بودند که این مذاکرات نتیجه‌بخش است. ظاهراً در يك مقطع، آمریکا به معامله‌ای با اروپا دست زده است. پذیرفته است که اندکی کوتاه بیاید و به اروپا وقت بدهد اما از اروپا خواسته است که اگر حاصل مذاکراتش با ایران به نتیجه نرسید اروپا در کنار آمریکا قرار گیرد. شرایط و روند کار به سمتی رفت که نتیجه همان شد که آمریکا می‌خواست. مدیریت این بحران توسط ایران در مرحله اخیر ناموفق بود. ما نتوانستیم از این اختلاف جدی میان اروپا و آمریکا به نفع خودمان بهره بگیریم، مسئولان ذی‌ربط در تحلیل‌های خود به شیوه دوران جنگ سرد، مسائل را سیاه و سفید می‌دیدند و لذا توقعاتشان از اروپا خیلی بیش از توان اروپا بود. روش عمل ما باعث شد که اروپا به عنوان طرفی که در مقابل آمریکا کم آورده بود به سمت سیاست‌های آمریکا برود.

- به نظر شما برخورد مناسب با سه کشور اروپایی، هند، روسیه و چین چیست؟

سیاست اعتمادسازی فرصت‌های بزرگی برای ما ایجاد کرد. مبنای این سیاست این بود که دوستی‌های بیشتر، فرصت‌های ما را افزایش می‌دهد و تهدیدات بر ضد ما را کاهش می‌دهد. ادامه این سیاست ایجاد می‌کند که ما به دوستانمان نزدیک‌تر شویم و به دنبال دوستی‌های بیشتر باشیم و از افزایش مخالفانمان جلوگیری کنیم. حالا که در شرایط بحرانی قرار گرفته‌ایم به طور طبیعی باید برای حفظ دوستی‌ها و جلب همراهی آنها بیشتر تلاش کنیم. گفتم که در صحنه جهانی همه دوستی‌ها مشروط است و کشورها برای منافع خودشان اولویت قائل می‌شوند. این شرط میزان دوستی‌ها را متفاوت می‌کند اما ما به همه دوستی‌ها نیاز داریم و باید تلاش کنیم که آمریکا در نهادهای خود اجماع ایجاد شده بر ضد سیاست‌های هسته‌ای ما موفق نشود. گفتم که بر اساس منافع ملی، این کشورها همچنان دلایل زیادی دارند که به ما کمک کنند و همراه آمریکا نشوند.

- عده‌ای بر این عقیده هستند که ارجاع پرونده به شورای امنیت مسأله مهمی نیست و ما اگر چاره دیگری نداشته باشیم باید به این مسأله تن در دهیم و کوتاه نیاییم. نظر شما چیست؟

من کاملاً مخالفم. ارجاع پرونده ما به شورای امنیت يك شکست بزرگ و تاریخی برای کشور است. اگر ما آمریکا را کشور مخالف و حریف خودمان می‌دانیم رفتن به شورای امنیت به شکلی در واقع واگذار کردن صحنه به کشور مخالف و حریف‌مان است و این طبعاً هیچ چیزی جز ناکامی عاید ما نمی‌کند. چون بسیاری از مدیران کشور تجربه نظامی دارند من مثال نظامی می‌زنم. اگر در زمان جنگ فرماندهی مطلع می‌شد که دشمن در نقطه‌ای يك توان نظامی غیر قابل رخنه ایجاد کرده است مگر ما به جنگ او در آن نقطه می‌رفتیم؟ مگر ما حاضر بودیم برای اینکه کوتاه نیامده باشیم در میدانی عملیات انجام دهیم که همه نیروها قتل‌عام شوند؟ فرمانده چه می‌کرد؟ آن صحنه را رها می‌کرد. از مسیر دیگری تدبیر می‌کرد. تلاش می‌کرد که قبل از حمله، توان دشمن را خنثی کند. سعی می‌کرد راهی بیابد که دشمن را در آن منطقه دور بزند و از این طریق توان عملیاتی حریف را خنثی کند. همه این کارها را می‌کرد ولی به جنگ با دشمن در صحنه تحت تسلط کامل حریف تن نمی‌داد. اگر فرماندهی حتی سهواً هم در صحنه‌ای جز این کرده باشد و نیروهایش تارومار شده باشند، هرگز نمی‌تواند خاطره این اشتباه بزرگ را از خودش دور کند و خودش را نمی‌بخشد. او امروز هم بعد از چندین سال فکر می‌کند که اگر آن اشتباه را مرتکب نمی‌شد شاید نتیجه کار چیز دیگری بود. اگر این روایت از تاکتیک و استراتژی در جنگ درست است من می‌خواهم بگویم شورای امنیت صحنه‌ای است که دشمن ما همه ابزارها را برای سرکوب ما در اختیار دارد. چگونه ممکن است و با چه منطقی ممکن است ما بگوییم موضوع مهمی نیست. نه برعکس خیلی مهم است.

همه دوستان ما به ما توصیه می‌کنند که تلاش کنیم که پرونده ما به شورای امنیت ارجاع نشود. متقابلاً تندروترین مخالفان ما در آمریکا و اسرائیل بیش از همه از این مسأله استقبال می‌کنند و معنای آن این است که رفتن پرونده ما به شورای امنیت ایجاد فرصت بیشتر برای افراطی‌ترین جریان‌های مخالف ما در دنیا است. همه این شواهد تأیید می‌کنند که ارجاع پرونده ما به شورای امنیت برای مصالح کشور بسیار خطرناک است.

در مورد سازمان‌های بین‌المللی گفتم که تصمیم‌گیری‌ها کند است، اما وقتی چیزی تصویب می‌شود، تغییر آن مصوبه هم تلاش و زمان زیادی می‌طلبد. در شورای امنیت مشکل مهم‌تری هم وجود دارد و آن حق وتوی آمریکاست. یعنی اگر مصوبه‌ای بر ضد ایران تصویب شود، اصلاح آن می‌تواند در معرض وتوی

آمریکا قرار گیرد و در نتیجه آمریکا طرف بلامنازع ما در مسأله شود. تجربه‌ای که لیبی را در برابر آمریکا به ذلت کشاند. معنای این مطلب این است که هر آنچه که در آنجا بر ضد ما تصویب شود ابزاری خواهد شد برای آمریکا که برای همیشه علیه ما به کارگیرد. مثلاً اگر تحریمی علیه ما به تصویب برسد لغو آن نیازمند موافقت همه اعضای دائمی از جمله آمریکا خواهد بود و در آن شرایط کار ما بسیار دشوار خواهد شد. لیبی مجبور شد برای لغو قطعنامه‌های بر ضد خودش در شورای امنیت، همه را رها کند، سراغ آمریکا برود و برای اینکه لغو تحریم‌هایش همچون گذشته با وتوی آمریکا مواجه نشود، به همه خواسته‌های آمریکا تن دهد.

- در شورای امنیت به نظر شما چه اتفاقی خواهد افتاد ؟

البته آنچه من می‌توانم بگویم همه متکی به اخبار و اطلاعات رسانه‌هاست و طبیعاً ارزیابی و تحلیل من هم در همین محدوده است. از تحولات غیرعلنی مطلع نیستیم اما من فکر می‌کنم که اتفاقات مهمی روی می‌دهد. البته در شورای امنیت هم روند تصمیمات کند خواهد بود و تا رسیدن ما به بحرانی‌ترین مرحله مدتی طول خواهد کشید. به ما مهلت داده خواهد شد. دوستان ما تلاش خواهند کرد که ما مهلت بیشتری داشته باشیم اما نهایتاً تصمیمات سرنوشت‌ساز علیه ما گرفته خواهد شد. من فکر می‌کنم اولین اقدام شورای امنیت که زیاد هم طول نخواهد کشید، صدور قطعنامه‌ای مشابه قطعنامه شورای حکام با خواسته‌های مشابه این قطعنامه خواهد بود. آنها از ما خواهند خواست که کلیه مراحل غنی‌سازی و فرآوری اورانیوم از جمله فعالیت کارخانه یو سی اف اصفهان را متوقف کنیم و موارد دیگری که در این قطعنامه آمده، اجرا کنیم. اگر بخواهیم قطعنامه را اجرا کنیم که طبیعاً اقدام نابخردانه‌ای خواهد بود که زیر بار شورای حکام و تقاضای دوستانمان در دنیا نرویم و ذیل قطعنامه تحکمی شورای امنیت همان‌ها را عمل کنیم. اگر بخواهیم چنین کنیم شرط عقل آن است که تلاش کنیم پرونده به شورای امنیت نرود و اگر بخواهیم بر سر چیزی کوتاه بیاییم حالا و قبل از تحکم شورای امنیت کوتاه بیاییم و امتیازات اطمینان‌ساز هم بگیریم. با این کوتاه آمدن اجماع ایجاد شده بر ضد خودمان را بشکنیم و مثل چند ماه قبل غالب کشورهای ما را همراه خودمان کنیم.

اگر قطعنامه را اجرا نکنیم طبیعاً شورای امنیت مصوباتی برای مجازات ما خواهد داشت و باز از مراحل مقدماتی‌تری شروع خواهد کرد و به تدریج ما را به بحرانی‌ترین شرایط خواهد رساند و تا اجرای مصوبات توسط ایران فشارها و مجازات‌ها را ادامه خواهد داد. فکر می‌کنم اولین گام برای مجازات ما، توقف کامل همه همکاری‌های هسته‌ای دنیا با ایران است. بر این اساس روسیه کارش را در نیروگاه بوشهر متوقف خواهد کرد و ساخت نیروگاه بوشهر به شدت لطمه خواهد خورد و تا زمان پایان بحران و شاید برای همیشه متوقف خواهد شد. ما به هر حال هنوز به طور جدی در فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای وابسته به خارج هستیم. بدون روسیه و دیگران نمی‌توانیم نیروگاه اتمی بوشهر را هم پس از یک ربع قرن تمام کنیم. در نتیجه اولین حاصل تصمیمات شورای امنیت می‌تواند از دست رفتن و یا تعلیق نامحدود همان چیزی باشد که ما به خاطرش مقاومت می‌کنیم و به چنین بحرانی تن می‌دهیم. چنین مجازات‌هایی ممکن است محدود به صنایع هسته‌ای نباشد و برای بعضی صنایع دیگر هم اعمال شود. ممکن است به کالای دو منظوره تسری یابد و به شکلی کالاهای دو منظوره تعریف شوند که فهرست خیلی وسیع‌تر از ممنوعیت‌های فعلی را به صنایع ما تحمیل کنند که چنین اتفاقاتی برای صنایع در حال توسعه ما بسیار لطمه زننده خواهد بود.

آنگونه که گفته‌اند، گام بعدی تحریم‌های هوشمند خواهد بود. منظور از تحریم‌های هوشمند شکل پیچیده‌تر بلایی است که بر سر عراق آوردند و نامش را نفت در برابر غذا گذاشتند. اجازه صدور نفت و واردات غذا و دارو را به شکل بسیار تحقیرکننده‌ای دادند. کشور ما یک کشور در حال توسعه با نرخ رشد بالاست. ما در یک مرحله جهش اقتصادی قرار داریم و طبق آنچه در دولت گذشته طراحی و اجرا شده است، می‌توانیم به لحاظ ثروت و در آمد سرانه به سرعت خودمان را در جهان چندین پله بالاتر بکشیم. ما دیگر یک کشور جنگ‌زده یا منزوی نیستیم. ما رشد سریع را تجربه کرده‌ایم. ما اقتصاد مولد را تجربه کرده‌ایم. ما سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی زیادی انجام داده‌ایم و صنایع مهمی مثل پتروشیمی را به باروری نسبی رسانده‌ایم. ما عراق یا کره شمالی یا لیبی نیستیم که چیزی برای از دست دادن نداشته باشیم و تحریم‌های اقتصادی را سال‌های طولانی با گرسنگی و فلاکت تحمل کنیم. چنان وضعی شایسته ملت و کشور پرطرفیت ما نیست. با چنین فرصت‌ها و چشم‌اندازی از توسعه است که می‌گوییم تحریم می‌تواند برای ما بسیار بسیار گران تمام شود و متأسفانه دنیای ارتباطات و الکترونیک و پیوندهای اقتصادی جهان باعث می‌شود که حریف ما آمریکا که در این زمینه‌ها صاحب فناوری و علوم برتری است برای لطمه زدن به کشور پرتحرکی به لحاظ اقتصادی مثل ما ابزار خیلی بیشتری از گذشته در اختیار داشته باشد. این تحریم‌ها می‌تواند در مراحل بعد تحریم‌هایی باشد که ضمن داشتن خسارات سنگین اقتصادی، به لحاظ شئون‌ها هم تحقیرکننده است مثل تحریم‌های هوایی و یا دخالت در گردش‌های مالی ما می‌تواند بسیار لطمه‌زننده باشد.

چون گاهی سؤال پیش می‌آید که اگر آمریکا چنین ابزارهایی بر ضد ما دارد چرا آنها را امروز به کار نمی‌گیرد. باید اضافه کنم که البته برای آمریکا به کارگیری ابزارهایش آسان نیست. همین ابزارهاست که برای اقتصاد و فناوری آمریکا فرصت ایجاد می‌کند لذا این کشور نمی‌تواند در شرایط عادی همه ابزارهایش را بر ضد دیگران به کار گیرد و استفاده یا سوءاستفاده از هر کدام از این نوع ابزارها بر ضد ما

یا دیگران، برای آمریکا هم مشکل آفرین است و هزینه‌های خود را دارد اما به هر حال به وجود آمدن اجماع علیه ما میان کشورهای مؤثر جهان و ارجاع پرونده ما به شورای امنیت امکان استفاده از این ابزار با کمترین هزینه را به حریف ما می‌دهد.

- آیا ممکن است نفت ایران را تحریم کنند؟

نه فکر نمی‌کنم صدور نفت ایران را تحریم کنند. چون طرف‌های مقابل به ادامه صدور نفت ما احتیاج دارند اما روش‌هایی که اعمال می‌کنند ممکن است به شدت دست ما را در هزینه کردن درآمد نفت ببندد. متقابلاً البته ما هم نمی‌توانیم صدور نفت را متوقف کنیم و از این طریق به آنان فشار آوریم، چون اقتصاد ما وابسته به نفت است و بدون درآمد نفتی بسیاری از مشکلات، عملاً بر ما تحمیل خواهد شد و ما را از پای در خواهد آورد.

- آیا احتمال حمله نظامی وجود دارد؟

نه فکر نمی‌کنم، حمله نظامی هم صورت گیرد. حداقل انتخاب کنونی آمریکا نیست و آمریکا از هزینه‌های سنگین آن واهمه دارد و به علاوه فکر می‌کند ابزار کافی برای یک جنگ نرم موفق با ما در اختیار دارد. طبیعتاً آمریکا الان هم در حوزه‌های مورد حمله‌اش دچار مشکلات جدی است و بعید است به فکر حمله به ما بیفتد. به ویژه که اشاره کردم آمریکا متأسفانه ابزار بی‌نظیری برای موفقیت در یک جنگ نرم بر ضد ما در اختیار دارد.

- ارزیابی شما از پیشنهاد های مطرح شده توسط رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی درباره برنامه هسته‌ای کشورمان چیست؟

تا آنجا که می‌دانم دو پیشنهاد مطرح شده است. یکی پیشنهاد داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای با مشارکت کشورهای دیگر است که در آن از سایر کشورها دعوت شده که در توسعه چرخه سوخت هسته‌ای با ما مشارکت کنند و عملاً با حضورشان امکان نظارت و کنترل طبیعی هم داشته باشند. این طرح البته طرح تازه‌ای نیست. قبلاً هم از طرف ایران و هم از طرف کشورهای دیگر با روایت‌های متفاوت پیشنهاد شده است. فکر می‌کنم کار خوبی است و در چارچوب اعتمادسازی هم مفید است. به لحاظ اقتصادی و صنعتی نیز هم به نفع ماست و هم به نفع شرکایمان. پیشنهاد ما برای این مشارکت ایجاد چرخه سوخت در ایران بوده است و پیشنهاد دیگران مبتنی بر یک چرخه سوخت ناقص در ایران و انجام باقی فرایند در خارج بوده است. یعنی انجام فرآوری تا تولید کارخانه یوس سی اف اصفهان در ایران و تکمیل فرایند یعنی غنی‌سازی در خارج. تفاوت این پیشنهادها مبتنی بر اختلاف نظر بر سر اجرای مرحله غنی‌سازی با سانتریفیوژ در ایران و یا تعلیق آن در مرحله کنونی بوده است. طبیعتاً مطلوب ما داشتن چرخه سوخت کامل و مطلوب آمریکا و اسرائیل، تعطیلی کامل چرخه سوخت ماست. پیشنهاد دوستان ما هم این بوده است که چرخه سوخت ناقص شامل یوس سی اف اصفهان را بپذیریم و داوطلبانه در مرحله کنونی، ساخت سانتریفیوژ را متوقف کنیم.

به هر حال ابتدا باید یک تصمیم سیاسی درباره میزان انعطاف ما نسبت به موضوع توسط مسئولان عالی کشور گرفته شود و در مرحله بعد باید سراغ کشورهایی رفت که آمادگی چنین مشارکتی را داشته باشند. اما مشکلی که ما اکنون با آن مواجه شده‌ایم این است که روند اعتماد سازی و گفت‌وگو در جهت تفاهم بیشتر، متوقف شده و همه چیز منوط به اجرای قطعنامه اخیر شورای حکام شده است و برای اینکه بتوان بر سر این پیشنهاد یا هر پیشنهاد دیگری به گفت‌وگو نشست، باید ابتدا جریان مذاکرات با اروپا، با سایر کشورها و با شورای حکام را به روند قبلی بازگرداند؛ یا قطعنامه شورای حکام را اجرا کرد و یا برای آن راه‌حل پیدا کرد و در مرحله بعد این بحث‌ها را دنبال کرد. این پیشنهادها با توجه به موضع آژانس و اجماعی که بر ضد ما شکل گرفته تأثیری در فضای فعلی کار ندارد. اگر فضای سنگینی که بین ما و شورای حکام ایجاد شده تلطیف نشود این راه‌حل‌ها جواب نخواهد داد و اگر پرونده ما به شورای امنیت برود دیگر جای این بحث‌ها نخواهد بود.

پیشنهاد دومی همه مطرح شده مبنی بر اینکه ما خودمان را به مذاکره با اروپا محدود نمی‌کنیم و آمادگی داریم که با دیگران هم گفت‌وگو کنیم. اگر منظور از این پیشنهاد الگویی مشابه مذاکرات شش جانبه کره شمالی است یا چیزی شبیه مذاکرات کشورهای گروه "شش به اضافه دو" افغانستان که ما و آمریکا هم عضوش بودیم، مورد نظر است؛ پیشنهاد قابل توجهی است. یعنی اگر در پس این موضع رادیکال در پی یافتن راه‌حلی هستند که آمریکا را وارد مذاکرات هسته‌ای ایران کنند به نظر من ابتکار خوبی است. چون خواه ناخواه آمریکا در روند کار نقش مؤثر و حتی تعیین‌کننده ایفا می‌کند و نقشش در پس صحنه کاملاً تخریبی است و با ایجاد فشار به دیگران مانع نیل به نتایج بهتر شده است. عملاً تجربه نشان داده که بر عکس شورای امنیت که در آن آمریکا حق وتو دارد و ابتکار عمل را به دست می‌گیرد، در چنین اشکالی از نشست‌های چندجانبه که ما و آمریکا دو عضو برابر یک جلسه جمعی می‌شویم قدرت تحرک ما افزایش می‌یابد و قدرت تخریب آمریکا کمتر می‌شود اما اگر منظور از این پیشنهاد این است که چون فرضاً به اروپایی‌ها هم نمی‌شود اعتماد کرد لذا از خیر اروپایی‌ها هم

بگذریم و سراغ مثلاً غیرمتعهدها برویم و تصور کنیم که با کمک آنها می‌توانیم کاری از پیش ببریم این اقدام به معنی نهادینه کردن اجماع نظر میان اروپا و آمریکا و دور کردن اروپا از خودمان است که اصلاً به مصلحت نیست. به علاوه نه غیرمتعهدها حاضرند و نه قادرند که در مقابل چنین اجماعی بایستند همچنانکه در شورای حکام نایستادند.

- از نظر شما راه‌حل چیست؟ آیا باید مصوبه شورای حکام را اجرا کنیم؟

استنباط من این است که در این مرحله ما چاره‌ای جز اجرای مصوبه شورای حکام نداریم. مشکل کار این است که دوستان ما التماس کرده‌اند که ما کارخانه یوسی اف اصفهان را راه نیندازیم و یا حتی راه‌اندازی آن را چند روز به تأخیر بیندازیم اما به دلیلی که من مطلع نیستم ما آن را نپذیرفته‌ایم و تأسیسات اصفهان را راه انداخته‌ایم. حالا يك قطعه‌نامه محکم و تند ما را ملزم به اجرای کاری کرده که به خواهش دوستان‌مان در دنیا، انجامش نداده‌ایم و طبعاً انجام آن برای ما مشکل است اما به هر حال تصمیم سرنوشت‌سازی است که مسؤولان عالی کشور می‌گیرند. شاید چاره دیگری برای خروج از این بحران و حفظ صنایع صلح‌آمیز هسته‌ای در گسترده‌ترین ابعاد ممکن نباشد. ممکن است معنای این کار در افکار عمومی عقب‌نشینی تلقی شود اما اگر امروز تصمیمی شجاعانه گرفته نشود، ممکن است فردا خیلی دیر باشد و ما به اتخاذ تصمیمات بسیار تلخ‌تر و گران‌تری تحت فشارهای شورای امنیت سازمان ملل متحد ملزم شویم.

یکی از امامان جمعه تهران فرمودند مبادا کاری کنیم که در آینده پشیمان شویم و نتوانیم از کرده خودمان دفاع کنیم. سخن درستی است. وقتی امروز نمی‌توان از عملکردی که حاصلش قطعه‌نامه شورای حکام است دفاع کرد، فردا پاسخگویی خسارات جبران‌ناپذیر، عدم تصمیم‌گیری درست در این مقطع را بسیار سخت‌تر خواهد بود.

- عده‌ای می‌گویند دشمنی آمریکا حد و حدود ندارد. اگر ما را به بهانه پرونده هسته‌ای به شورای امنیت نبرند فردا به بهانه واهی دیگری خواهند برد مانند بهانه تروریسم یا حقوق بشر یا هر چیز دیگر. لذا چرا بر سر این مسأله که بسیار به نفع کشور است و همه از آن حمایت می‌کنند، کوتاه بیاییم. بگذاریم که یکبار برای همیشه تابوی رفتن به شورای امنیت فرو بریزد تا دائم ما را با این مسأله تهدید نکنند.

در اینکه ما با آمریکا در صحنه جهانی اختلافات جدی داریم و این اختلافات فعلاً تداوم خواهد یافت و آمریکا و البته اسرائیل دائم در صدد ایجاد مانع و مشکل برای ما خواهند بود، شکی نیست اما تفاوت اساسی بحث هسته‌ای با هر بحث دیگری این است که آمریکا با روش کار خود توانسته به نوعی يك اجماع بر ضد ایران ایجاد کند. مصوبه شورای حکام هم حاصل آن است. با چنین وضعیتی عدم انعطاف ما اگر به معنای رودررویی ما با همه کشورهای مؤثر دنیا باشد، این عین خسارت برای ما و عین پیروزی برای حریق قدر ماست. ما باید راهی را دنبال کنیم که چنین اجماعی بر ضد ما حاصل نشود و اگر ایجاد شده هر چه زودتر شکسته شود. ما در تمامی سال‌های گذشته توانسته‌ایم از اجماع بر ضد خودمان جلوگیری کنیم و به ویژه در هشت سال گذشته آمریکا کاملاً از چنین اجماعی ناامید بوده است. در آینده هم اگر درست عمل کنیم می‌توانیم ترندهای مخالفان‌مان را خنثی کنیم و از اجماع بر ضد خودمان جلوگیری کنیم. بحث هسته‌ای ما در این مقطع زمانی با هر پدیده دیگری کاملاً متفاوت است. نه ربطی به اتهامات دیگر بر ضد ما دارد و نه شباهتی با مشکلاتی که در گذشته تجربه کرده‌ایم. نه آمریکا قادر است بر سر مسأله دیگری بر ضد ما چنین اجماعی ایجاد کند و نه در گذشته چنین شرایطی علیه ما شکل گرفته است.

ضمناً يك جنبه دیگر مسأله هم این است که متأسفانه وقتی پرونده ایران در شورای امنیت باز می‌شود این امکان فراهم می‌شود که آمریکا و کشورهای دیگر هر روز برگ تازه‌ای به آن پرونده اضافه کنند. یعنی اگر ما متهم شورای امنیت سازمان ملل متحد بشویم، دلیلی ندارد که ما چرا به بحث هسته‌ای ختم شود و در واقع ما صحنه را برای آمریکا و هر مخالف دیگری فراهم کرده‌ایم که هر روز قصه بی‌ربط و با ربط تازه‌ای را در همه زمینه‌ها علیه ما باز کند.

اگر نگران توطئه‌های آمریکا هستیم باید با کمک دوستان‌مان بهترین راه‌حل و پرمفعت‌ترین راه‌حل را پیدا کنیم و کشور را از بحران ارجاع موضوع به شورای امنیت که همانند سپردن پرونده ایران به دست آمریکاست، برهانیم. مرتکب این اشتباه هم نشویم که دوستان خوبان در شورای امنیت هم هستند. توانایی همان دوستان ما هم برای کمک به ما، قبل از ارجاع پرونده ما به شورای امنیت کاملاً با بعد از ارجاع پرونده به شورای امنیت متفاوت است.

- در چند روز اخیر بحث جدیدی در مورد موضع ریاست‌جمهوری در صحنه بین‌المللی در مورد نابودی اسرائیل هم مطرح شده است و تبلیغات گسترده‌ای بر ضد ما به راه افتاده است. آیا این ماجرا نیز در مسأله هسته‌ای ما مؤثر است؟

البته این موضوع خود نیاز به بحث مستقل و مفصل‌تری دارد که امیدوارم در فرصت دیگری به آن بپردازم اما در پاسخ شما می‌توانم بگویم که بله حتماً می‌تواند تأثیر داشته باشد. علت هم روشن است.

حریف ما در پی آن است که يك اجماع بر ضد ما شکل دهد و همه را در مخالفت با صنایع هسته‌ای ما با خودش هم‌نوا کند. آمریکا توسعه صنایع هسته‌ای در کشورهای مخالف خود را خطری برای همه جهانیان تعریف می‌کند و به طور مداوم در اثبات این عقیده و تعیین مصادیق آن تلاش می‌کند. بعد از یازده سپتامبر نیز توانسته است ارتباط محکمی میان تروریسم و سلاح هسته‌ای ترسیم کند و آن را به عنوان بزرگ‌ترین تهدید صلح جهانی جا بیندازد. ایجاد اجماع نظر در مورد خطر توسعه سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای ماجراجو، به ویژه نزد کشورهای غربی و پیشرفته کار دشواری نیست و عملاً تحقق یافته است؛ اما تعیین مصادیق آن محل اختلاف است. حریف ما از جمله تلاش دارد که در مورد ایران دیگران را قانع کند که جمهوری اسلامی ایران قابل اعتماد نیست. مدعی است که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای است و کشوری ماجراجوست و مخالف صلح و امنیت در جهان است. متقابلاً ما به ویژه در سال‌های اخیر تلاش کرده‌ایم که به خوبی نشان دهیم که عمیقاً دغدغه صلح جهانی داریم و به علاوه در پی سلاح هسته‌ای نیستیم. طبعاً تغییر ادبیات رسمی ما و تند شدن لحن ما در باره موضوعی که بتواند در این صحنه حساس به حریف ما درجا انداختن ادعای نادرستش بر ضد ما کمک کند، شایسته نیست. بحث من در این سطح حتی بر سر تأیید یا نفی موضع اتخاذ شده هم نیست، بحث بر سر شیوه بیان و ادبیات رسمی ماست. چیزی که همواره می‌تواند تأثیر زیادی بگذارد و برای ما فرصت و تهدید در پی داشته باشد. ما طرفدار مردم و حقوق مردم فلسطین هستیم. در این زمینه شهرت جهانی داریم و بابت آن هزینه هم می‌پردازیم. بنا هم نداریم از حقوق مردم فلسطین کوتاه بیاییم. در تمام سال‌های پس از انقلاب چنین بوده و در هشت سال گذشته هم که در سیاست خارجی با تدبیر بیشتر عمل کرده‌ایم و ادبیات رسمی ما در سیاست خارجی اعتمادساز و صلح‌مدارانه شده، چنین بوده است. طبعاً حالا هم در پی حفظ اصولمان هستیم و در عین حال باور من این است که اتفاق جدیدی هم نیفتاده و بنا هم نداریم رویه جدیدی در پیش بگیریم و به ستیزه بر خیزیم و دیگران را به ستیز با خودمان تشویق کنیم. نه کوتاه می‌آییم و نه ظاهراً قرار است در عمل مشی ماجراجویانه‌ای در پیش بگیریم. اگر چنین است، نمی‌دانم بیان مواضعی که منجر به محکوم کردن آن توسط رهبران همه کشورهای مؤثر جهان می‌شود و به حریف ما در میانه ماجرای خطیر هسته‌ای، امکان تهاجم سیاسی جدیدی بر ضد ما را می‌دهد به چه منظور انجام می‌شود.